

آسیب‌شناسی انتخابات «ولسی جرگه» افغانستان در پرتو انتخابات مجلس نمایندگان آمریکا

آیت مولایی^۱

مهدی معنوی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۴

چکیده

امروزه انتخابات، مناسب‌ترین و رایج‌ترین ابزار مشارکت شهروندان در سرنوشت سیاسی کشور است و انتخابات مجلس نمایندگان یکی از اساسی‌ترین آن‌ها است. در این مقاله، با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی، تلاش شده است از منظر مقایسه‌ای به بررسی وجوه تشابه و تفاوت مجلسین: نمایندگان آمریکا و ولسی جرگه (مجلس نمایندگان) افغانستان پرداخته شود تا آسیب‌های اصلی مترتب بر نظام انتخاباتی ولسی جرگه برجسته شود و چنین نتیجه‌گیری شده است که اولاً در آمریکا محور انتخابات را «احزاب سیاسی» تشکیل می‌دهند؛ اما در افغانستان ساختارهای قومی، مذهبی، زبانی و... امکان نهادینه شدن حزب را نداده است. ثانیاً در نظام انتخاباتی آمریکا، قوانین شایسته‌ای در عرصه‌ی مدیریت امور مالی داوطلبان به تصویب رسیده و از این حیث بر شفافیت منابع مالی افزوده است؛ اما در افغانستان اساساً قانونی در این خصوص وجود ندارد.

واژگان کلیدی: مجلس نمایندگان آمریکا، ولسی جرگه افغانستان، انتخابات.

^۱ استادیار گروه حقوق دانشگاه بوعلی سینا، همدان (نویسنده مسئول) ayet.publiclaw@gmail.com

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه بوعلی سینا

مقدمه

یکی از موضوعات مورد بحث حقوق اساسی هر کشور، پارلمان است. پارلمان به صورت کلی به دستگاهی اطلاق می‌شود که کار ویژه آن، وضع قانون لازم‌الاجراست که ممکن است از یک مجلس یا دو مجلس تشکیل شود (قاضی، ۱۳۸۸: ۱۸۰). وجود مجالس قانونگذاری در دنیا از آنجا درخور اهمیت می‌باشد که خواسته‌ها، نیازها و مقتضیات اجتماعی را با درایت و توانایی‌های خود در قالب مصوبات قانونی درآورده و نظام اجتماعی را با تغییرات به وجود آمده منطبق سازد. از این رو، برای آنکه مجلس بتواند کارآیی خوب و مطلوب داشته باشد، باید انتخاباتی با حضور حداکثری مردم، صحیح و منطبق با قوانین آن کشور برگزار شود تا نمایندگان صالح وارد میدان شده و افسار اختلاف سلیقه‌ها و نزاع‌های اجتماعی را به دست گیرند (زارعی، ۱۳۹۰: ۴-۵).

قانون اساسی افغانستان نه تنها قوه‌ی مقننه را به عنوان مظهر اراده‌ی قاطبه‌ی ملت تعریف نموده؛ بلکه با ترسیم چارچوب کلی نظام انتخاباتی کشور، به تعریف و تبیین سازکارهای حاکم بر نظام انتخاباتی مجلس نمایندگان با روش یک مرحله‌ای و مطابق نظام اکثریت ساده پرداخته است که با در پیش گرفتن روش یک مرحله‌ای و اکتفاء به اکثریت ساده در خصوص انتخابات مجلس - نمایندگان، زمینه‌ی تسهیلات و تمهیدات نهادینه شدن نظام دوحزبی را فراهم ساخته که دست کم موجب کاهش تعداد احزاب، گروه‌ها و گرایشها خواهد شد. این مسأله برای کشورهای جهان سوم به ویژه افغانستان که به تازگی در گردونه‌ی دموکراسی قرار گرفته و طبل شعار جذاب جامعه‌ی مدنی می‌زند، ضرورت حیاتی دارد (محمدی، ۱۳۹۵: ۲۵۷). اما نظام حقوقی و سیاسی آمریکا با داشتن تجربه، اولین قانون اساسی مکتوب و خصایصی همچون: تفکیک قوا، رژیم ریاستی و نظام دومجلسی از جایگاه درخور اهمیت در خصوص نظام انتخابات مجلس نمایندگان برخوردار است. زیرا قانون اساسی این مملکت، افزون بر داشتن توجه خاص به قوه‌ی مقننه، به ترسیم سازکارهای حاکم بر نظام انتخابات این نهاد با روش‌های منطقی پرداخته است؛ به ترتیبی که در کنار قانون اساسی، سایر قوانین، معیارهای عرفی و عملی حزبی، نظام اکثریت نسبی آراء را برای احراز کرسی مجلس نمایندگان مورد تعریف قرار داده است. بنابر مذکور و مشترک بودن نظام‌های انتخاباتی دو کشور

آمریکا و افغانستان و وحدت نظام دو مجلسی انتخابی، نگاه این مقاله رویکرد مقایسه‌ای در خصوص مکانسیم‌های متناظر بر نظام انتخاباتی مجلس نمایندگان افغانستان و آمریکا است تا رسالت پاسخ پرسش‌های نظیر: وجوه اشتراک و افتراق نظام انتخابات ولسی جرگه افغانستان و مجلس نمایندگان آمریکا چیست؟ شایع‌ترین آسیب‌های حاکم نظام انتخاباتی ولسی جرگه چیست؟

به نظر می‌رسد با توجه به توسعه یافتگی نظام انتخابات مجلس نمایندگان آمریکا و انجام نشدن مطالعات لازم و کافی در افغانستان در این عرصه، یافته‌های علمی و عملی ایالات متحده آمریکا در خصوص انتخابات مجلس نمایندگان می‌تواند در برجسته نمودن وجوه اشتراک و افتراق آنها و اتخاذ شیوه‌های مناسب و رویکردهای مطلوب در ساز کارهای حاکم بر انتخابات ولسی جرگه افغانستان موثر واقع شود. در خصوص سوابق تحقیق باید یادآور شد که تاکنون هیچ اثری علمی که حاوی رویکرد مقایسه‌ای در این عرصه باشد به رشته ی تحریر در نیامده است. از این رو، نخست مکانسیم‌های انتخابات ولسی جرگه افغانستان و مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا به بحث گذاشته می‌شود. سپس مهم‌ترین آسیب‌های نظام انتخابات ولسی جرگه افغانستان بیان می‌گردد.

۱- شرایط انتخاب شوندگان ولسی جرگه و مجلس نمایندگان آمریکا

درست است که امروزه حق انتخاب شدن همگانی است؛ اما بدون تردید در اغلب کشورها انتخاب شوندگان برای استفاد از این حق همانند دیگر حقوق و آزادی‌ها بایستی واجد شرایطی باشند. این شرایط را می‌توان در خصوص کاندیدای مجلسین: ولسی جرگه و مجلس نمایندگان آمریکا به اعتبارهای مختلف دسته‌بندی کرد که از جمله آنها، شرایط به دو دسته: ایجابی و سلبی است که در ادامه به شرح ذیل توضیح داده می‌شود:

۱-۱. شرایط ایجابی

منظور از شرایط ایجابی، شرایطی است که شخص طبیعتاً در جامعه سیاسی به منظور بهره‌مندی از حقوق انتخاباتی از آنها برخوردار باشد. این شرایط باید دارای خصیصه‌های عقلانی و عینی باشد تا دستاویزی برای محرومیت عده‌ای از واجدین شرایط توسط نهادهای انتخاباتی نشود (خسروی،

۱۳۸۸: ۲۳۶). تقریباً همه کشورها در قوانین اساسی یا قوانین انتخاباتی چنین شرایطی را پذیرفته‌اند. برای مثال قانونگذاران اعم از اساسی و عادی افغانستان و آمریکا، شرایطی ایجابی را برای انتخاب شوندگان انتخابات در مجلس نمایندگا و ولسی جرگه مقرر کرده‌اند که رئوس آن از این قرار اند:

۱-۱-۱. سن

سمت نمایندگی بنا به دلایل مختلف تخصصی بودن و پیچیدگی‌های خاص، مستلزم این است که کسی اعمال کننده آن باشد که به درجه‌ای از فهم و درک تشخیص مصالح و منافع عمومی و زمامداری رسیده باشد. تعیین حداقل سن برای کاندیدا متناسب به زمینه‌های فرهنگی، تربیت، نوع نظام انتخاباتی، سیاسی و غیره متفاوت و متنوع خواهد بود. تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که همه کشورها شرط حداقل سن را در قانون اساسی یا عادی مرتبط با انتخابات مقرر نموده است (خسروی، ۱۳۸۸: ۲۴۶). قانونگذاران افغانستان و ایالات متحده آمریکا، شرط سن را برای داوطلبان انتخابات ولسی جرگه و مجلس نمایندگان ۲۵ سال ذکر نموده است (مواد ۸۵ و ردیف دوم و بخش دوم اصل اول قوانین اساسی افغانستان و آمریکا). به نظر می‌رسد قانونگذاران اساسی ایالات متحده آمریکا و افغانستان در شرط سن انعطاف‌ناپذیری و محافظه‌کاری بیشتر به کار برده؛ زیرا در وضعیت امروری با توجه به اطلاعات نسبی جوانان و پختگی آنان، سن ۲۵ سال عدد بالایی است.

۱-۱-۲. تابعیت

تابعیت در یک برداشت کلی «عبارت است از رابطه‌ی سیاسی و معنوی که شخص را به دولت معین مرتبط می‌کند.» (نصیری، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۶). در نظام‌های انتخاباتی کشورهای دنیا، تابعیت شرط ورود به پارلمان محسوب می‌گردد؛ برای نمونه در چارچوب نظام حقوقی افغانستان نامزدان انتخابات ولسی جرگه می‌بایست تابعیت (اصلی یا اکتسابی) را داشته باشند. مشروط بر اینکه از زمان اخذ تابعیت اکتسابی مدت ده سال سپری شده باشد (ماده ۸۵ قانون اساسی و ماده ۳۹ قانون انتخابات). اما به استناد ردیف دوم و بخش دوم اصل اول قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، متابعان اصلی و اکتسابی از حق شرکت در انتخابات مجلس نمایندگان به عنوان کاندیدا برخوردار می‌باشند مشروط

براین که از زمان اخذ تابعیت اکتسابی مدت هفت سال سپری شده باشد. فلسفه این شرط، اصل لزوم عدم دخالت اجانب در سرنوشت سیاسی، اجتماعی کشور دیگر و لزوم حفظ استقلال سیاسی کشور است (حبیب نژاد، ۱۳۹۰: ۱۰۶).

۱-۱-۳. پرداخت مبلغ معین و داشتن تأییدیه رأی

به موجب قسمت «الف» بند «۱» ماده ۷۳ قانون انتخابات افغانستان، شخصی که درصدد نامزدیِ ولسی جرگه می‌باشد باید یک هزار ورق تأییدیه رأی از واجدان شرایط رأی دادن در حوزه ی مربوط اخذ نموده باشد و مبلغ سی هزار افغانی را باید به عنوان حق نامزدی پرداخت نماید که مبلغ فوق در صورت پیروزی یا کسب دو درصد آراء قانونی، دوباره به کاندیدا پرداخت می‌شود. این شرط در قانون اساسی امریکا پیش‌بینی نشده است. با این حال در چارچوب پاسداشت ارزش‌های حزبی و نیز پیشگیری از چند دستگی احزاب، شرط داشتن رأی تأییدیه پیش‌بینی شده است. بدین معنی که در صورتی که شخصی به طور مستقل بخواهد در انتخابات مجلس نمایندگان به عنوان کاندیدا شرکت نماید باید پنج درصد آرای تأییدیه رأی‌دهندگان واجد صلاحیت حوزه ی مربوط در هنگام ثبت نام را با خود داشته باشد (اریک، ۱۳۸۲: ۱۹۷).

۱-۱-۴. ارائه ی تعهدنامه مبنی بر عدم فرماندهی یا عضویت در گروه‌های مسلح غیرقانونی

به استناد ماده چهل و چهار قانون انتخابات افغانستان، اشخاصی که فرماندهی گروه‌های مسلح غیرقانونی را در دست داشته یا عضو آن باشند، نمی‌توانند در انتخابات به حیث کاندیدا اشتراک نمایند. اما چنین شرطی در نظام انتخاباتی مجلس نمایندگان آمریکا پیش‌بینی نشده است.

۱-۱-۵. عدم اشتغال به مناصب مندرج در ماده ۴۴ قانون انتخابات افغانستان

مقامات نظیر رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزراء، قضات، رؤسای کمیسیون‌های مستقل، نظامیان، استادان دانشگاه‌ها، رئیس دادستانی کل و اعضای مسلکی آن، والیان و ولسوالان (استانداران و رئیسان شهرستان‌ها) و کارکنان خدمات ملی (خدمات کشوری) نمی‌توانند در انتخابات ولسی جرگه

به عنوان کاندیدا شرکت نمایند؛ مگر اینکه از قبل کاندیدا نمودن از سمت خویش استعفا نمایند. این شرط در منظومه‌ی انتخاباتی مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا شناسایی نشده است.

۱-۱-۶. اقامت

مطابق ردیف دوم از بخش دوم اصل اول قانون اساسی، داوطلبان انتخابات، باید هنگام انتخاب شدن مقیم ایالتی باشند؛ که از آنجا انتخاب می‌شوند، در غیر این صورت از حق نامزدی محروم خواهد شد. در این خصوص، ردیف اول از بخش چهارم اصل اول قانون اساسی، چگونگی تعریف شرایط ناظر بر اسکان در ایالت را به خود ایالات واگذار کرده و مقرر داشته است: هر ایالت شرایط لازم خود را در مورد ساکن بودن یا نبودن افراد اعمال می‌کند، که باید در محدوده‌ی قانون اساسی باشد. از این حیث که قانونگذار اساسی برای این شرط، بازه‌ی زمانی مشخصی را تعیین نکرده است. از این رو، مفروض آن است که داوطلبان حداقل قبل از زمان ثبت نام انتخاباتی، باید در ایالت مربوط مقیم باشد در غیر این صورت، حق انتخاب شدن را نخواهد داشت مگر اینکه قانونگذار ایالتی، بازه‌ی زمانی خاصی را در این مورد به تصویب رسانده باشد. به نظر می‌رسد این شرط برای جامعه ایالات متحده که از حیث شکل دولت، «فدرال» است و در بردارنده‌ی ایالات متعددی است در چارچوب اصول شهروندی قابل پذیرش باشد.

۱-۲. شرایط سلبی

۱-۲-۱. نداشتن سابقه جرم و جنایت

حسن سابقه و عدم سوء پیشینه‌ی کیفری، از جمله مواردی است که قوانین اکثر کشورها بر آن تأکید دارند و اشخاصی که سابقه‌ی ارتکاب جرایم بزرگ را دارند، معمولاً از حق انتخاب شدن محروم هستند، چرا که به نظر بیشتر حقوقدانان اشخاصی که از جهت کردار، گفتار و رفتار دارای سابقه‌ی درخشانی نیستند و شایستگی نمایندگی مردم و اداره امور مهم کشور را ندارند و باید از این حق محروم باشند (عنابی و خلیلی شجاعی، ۱۳۹۰: ۷۱). برای نمونه، در انتخابات مجلس عوام انگلستان، افرادی که به خاطر «جرایم انتخاباتی» محکوم شده اند یا به خاطر ارتکاب جرم به بیش از

یکسال محکوم شده‌اند از حق نامزدی مجلس محرومند (زارعی، ۱۳۸۴: ۳۳). قانونگذار اساسی افغانستان نیز مرتکبان جرایم ضدبشری و جنایت را از حق انتخاب شدن به عنوان کاندیدا ولسی جرگه محروم نموده است (ذیل ماده ۸۵ قانون اساسی و ماده ۳۹ قانون انتخابات).

۲-۲-۱. عدم محرومیت از حقوق مدنی

اگر شخصی از جانب دادگاه ذی صلاح به دلیل ارتکاب جرم به محرومیت از حقوق مدنی محکوم شده باشد نمی‌تواند به عنوان کاندیدا ولسی جرگه ثبت‌نام نماید (قسمت چهارم ماده ۸۵ قانون اساسی و ماده ۳۹ قانون انتخابات). این وضعیت در نظام انتخاباتی سایر کشورها نیز وجود دارد برای نمونه در انتخابات مجلس عوام انگلستان، افرادی که به جرم «خیانت» محکوم شده‌اند مادام که دوره محکومیت خود را نگذرانده باشند یا مورد عفو قرار نگرفته باشند، حق داوطلبی مجلس را ندارند (زارعی، ۱۳۸۴: ۳۳). نکته‌ی قابل ذکر در خصوص شرایط سلبی در منظومه‌ی انتخابات مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا این است که قانونگذار اساسی ایالات متحده آمریکا در زمینه‌ی شرایط سلبی اعضای مجلس نمایندگان به صورت صریح مسکوت بوده، چون از آنجا که قانون اساسی ایالات متحده به لحاظ تعداد مواد کوچک‌ترین قانون اساسی است غالباً به ذکر مسایل کلی و مهم اکتفا کرده است و جزئیات را به اصلاحیه‌ها، قوانین عادی و عرف و رویه‌ی عملی واگذار کرده است. بنابراین به موجب عرف و رویه‌ی عملی احزاب می‌توان به شرایطی مثل: عدم محرومیت از حقوق اجتماعی توسط دادگاه صلاحیت دار، نداشتن سابقه سوء اخلاقی در حوزه‌ی انتخابیه، استعفاء از شغل قبلی، داشتن سلامت روحی اشاره کرد. البته هر ایالت صلاحیت دارد که شروط خاصی نیز برای نمایندگان مجلس تعیین کند (زارعی، ۱۳۸۴: ۴۲۳).

۲. فرایند انتخابات ولسی جرگه و مجلس نمایندگان آمریکا

۲-۱. مرحله‌ی ثبت نام نامزدها

مطابق قانون انتخابات افغانستان، کمیسیون مستقل انتخابات مؤظف است یکصد و هشتاد روز قبل از برگزاری انتخابات، تاریخ برگزاری انتخابات را تعیین و تقویم انتخاباتی را به مدت یکصد و بیست

روز قبل از آن، منتشر نماید (ماده ۳۶ قانون انتخابات). بدین ترتیب، مهلت ثبت نام و زمان مراجعه‌ی کاندیداها به کمیسیون مستقل انتخابات با هدف ارائه درخواست‌های مبنی بر کاندیداتوری، مشخص می‌گردد و ترتیبات ثبت نام به نحوی است که اشخاص و افراد متمایل و مصمم به کاندیداتوری، ابتدا مکلف‌اند در موعد مقرر درخواست کتبی مبنی بر ثبت نام خود به عنوان کاندیدای ولسی جرگه به کمیسیون مستقل انتخابات ارائه نمایند که درخواست مذکور حاوی: مشخصات کاندیدا، کپی اسنادی که معرف هویت و درجه تحصیل وی باشد و اطلاعات مربوط به عدم محکومیت، سن، صحت و سلامت، دارایی منقول و غیر منقول، محل سکونت اصلی و فعلی، آخرین مرجع اشتغال و هزار رأی تأییدیه رأی‌دهندگان حوزه‌ی مربوطه کاندیدا می‌باشد (ماده ۷۳ قانون انتخابات). در صورت تجمیع شرایط متناظر بر کاندیداتوری و تکمیل و تحویل مدارک از سوی نامزدها در مرحله‌ی ثبت نام، کمیسیون مستقل انتخابات موظف است فهرست ابتدایی اسامی نامزدهای تأیید صلاحیت شده را در اسرع وقت منتشر کند. با این حال، چنانچه اشخاصی در مورد فهرست ابتدایی اعتراض داشته باشند، می‌توانند شکایت خویش را در بازه‌ی زمانی حداکثر دوهفته پس از انتشار، به کمیسیون شکایات انتخاباتی تقدیم نمایند. این اعتراض‌ها مورد رسیدگی قرار گرفته و تصمیم کمیسیون شکایات انتخاباتی در این خصوص نهایی است (بندهای ۱ و ۲ ماده ۷۴ قانون انتخابات). لازم به تذکر است که فهرست نهایی نامزدها پس از بررسی کامل شکایات و اعتراض‌ها از سوی کمیسیون شکایات انتخاباتی منتشر و به اطلاع عموم می‌رسد و این فهرست غیر قابل تغییر است (بند ۳ ماده ۷۴ قانون انتخابات). اما فرایند ثبت نام نامزدان مجلس نمایندگان کاملاً از نظام انتخاباتی ولسی جرگه متفاوت می‌باشد؛ زیرا نخستین مکانی که داوطلبان، نامزدی خویش را اعلان می‌کنند دفتر یکی از احزاب بزرگ: دموکرات، جمهوری خواه و یا احزاب دیگر است که با مراجعه به حزب ضمن بیان باورها و پلان‌های خویش سعی می‌کنند حزب را متقاعد نماید تا وی را مورد حمایت قرار دهد، در صورتی که کاندیدا مورد تأیید حزب واقع شد رسماً به دولت ایالتی از جانب حزب معرفی می‌شود تا پس از ثبت نام و تأیید صلاحیت از سوی فرماندار ایالت مربوطه به عنوان نماینده‌ی حزب مربوطه وارد کارزارهای انتخاباتی گردد. چنانچه داوطلب مجلس نمایندگان، توسط

فرماندار ایالت رد صلاحیت شود، می‌تواند از طریق حزب خویش به دیوان عالی ایالت شکایت کند) زارعی، ۱۳۸۴: ۴۲۴).

۲-۲. رقابت انتخاباتی

در چارچوب نظام حقوقی افغانستان، کاندیداهای ولسی جرگه پس از تأیید صلاحیت از جانب کمیسیون مستقل انتخابات، موظف‌اند از منابع مالی، حدود و موارد هزینه و مصارف خویش در مبارزات انتخاباتی، به کمیسیون گزارش دقیق ارائه نمایند و هیچ یک از نامزدها نمی‌توانند از اتباع یا دول خارجی و یا نمایندگی‌های سیاسی کشورهای خارجی مقیم افغانستان مساعدت‌های مالی را قبول یا دریافت نمایند. همچنین مطبوعات اعم از صوتی، تصویری، چاپی و الکترونیکی مکلف‌اند از مبالغی که حین رقابت‌های انتخاباتی از کاندیدا ولسی جرگه اخذ می‌کنند، به کمیسیون مذکور گزارش ارائه کنند (ماده ۷۵ قانون انتخابات). مطبوعات اعم از دولتی و خصوصی می‌توانند در جریان مبارزات انتخاباتی، اهداف، مرامنامه‌ها و نظریات نامزدها را به صورت منصفانه و بی طرفانه پخش و نشر نمایند (بندهای ۱ و ۲ ماده ۷۶ قانون انتخابات). مبارزات انتخاباتی ولسی جرگه به موجب بند ۲ ماده ۷۶ همان قانون مدت ۲۰ روز می‌باشد. براساس قانون، همه‌ی رسانه‌های همگانی مکلف‌اند ۴۸ ساعت قبل از برگزاری انتخابات از انتشار هرگونه فعالیت مربوط به رقابت‌های انتخاباتی اجتناب کنند، حتی کمیسیون انتخابات مکلف است ۴۸ ساعت قبل از روز انتخابات کلیه مواد تبلیغات انتخاباتی که در فاصله صد متری مراکز رأی‌دهی به نمایش گذاشته شده باشد را امحا نماید (بند ۳ ماده ۷۸ و ماده ۷۹ قانون انتخابات).

اما در ایالات متحده آمریکا، از گذشته مقوله‌ی هزینه‌ی مبارزاتی انتخابات، یک مسأله جنجالی بوده است. نخستین تلاش‌های عملی برای تنظیم مقررات مربوط به تأمین مالی تبلیغات در سال ۱۸۶۷ انجام شد با این حال، قانون‌گذاری اساسی در سطح فدرال تا دهه ۱۹۷۰ طول کشید. در سال ۱۹۷۱ برای نخستین بار در سطح فدرال، «قانون فدرال تبلیغات انتخاباتی»^۱ به تصویب رسید که

^۱ . The Federal Election Campaign Act.

در آن، داوطلبان را مکلف به اعلام منابع کمک‌های تبلیغاتی (منابع درآمدی) و هزینه‌های تبلیغاتی (منابع هزینه‌ای) می‌نمود. سند مزبور در سال ۱۹۷۴ به قصد اعمال مدیریت، محدودیت و شفافیت بر میزان منابع درآمدی و کمک تبلیغاتی، اصلاح گردید. برای نمونه، سقف خاصی را برای کمک اشخاص خصوصی (هزار دلار) تعیین کرد. همچنین برای هر کمپین به ازای «کمپته‌های کنش سیاسی»^۱ پنج هزار دلار تعیین کرد و برای نخستین بار، تأمین مالی داوطلبان از منابع بخش عمومی نیز امکان‌پذیر شد. به علاوه، کمک افراد خارجی را در انتخابات ممنوع کرد. مطابق اصلاحات اخیر در سال ۱۹۷۵ «کمسیون انتخابات فدرال»^۲ جهت مدیریت و اجرای مدلول سند اخیر در خصوص کمپین‌ها ایجاد شد. با این حال از نظر برخی، محدودیت‌های حاکم در این سند، مغایر حقوق و آزادی افراد، نظیر آزادی بیان و برابری، تلقی شده است. برای نمونه نخستین شکایت مهم در این خصوص پرونده «باکلی علیه والیو»^۳ بوده است.^۴

مطابق «قانون اصلاح کمپین دوحزبی»^۵ مصوب ۲۰۰۲، سقف کمک اشخاص خصوصی از هزار دلار به دوهزار دلار افزایش یافت. حدکمک به کمپته حزب ایالتی تا ده هزار دلار در سال و حدکمک به حزب ملی بیست پنج دلار در سال و محدودیت بر مجموع کمک‌ها حد نود و پنج هزار دلار در هر نوبت ۲ساله قرارداد شده است. همچنین محدودیت بازپرداخت وام تا بیست و پنج هزار دلار، ازمبالغ کمک شده پس از انتخابات وجود دارد (بخش‌های ۳۰۷، ۳۰۴، ۱۰۲، قانون اصلاح کمپین دوحزبی). در بخش ۳۰۱ قانون مذکور، ممنوعیت استفاده شخصی از منابع مالی مبارزات انتخاباتی مقرر شده است. ممکن است نامزد در مراحل ازفرایند انتخابات به این نتیجه برسد که پیروزانتخابات نخواهد بود و بهتر است وجوهی را که برای انتخابات به وی تعلق گرفته است

1. Political Action Committees.

2. Federal Election Commission.

3. Buckley V. Valeo, 424, U. S. 1, 1976. Supreme Court of the United States,

۴. این رأی، در ادامه، پای دیوان عالی فدرال را به سایر پرونده‌ها باز کرد که از این قرار است:

- First National Bank of Boston v. Bellotti, 435, U.S. 765, 1978 and Citizens United v. Federal Election Commission, 558. U.S. 310, 2010, McCutcheon v. Federal Election Commission, 572, U.S. 2014,

5. The Bipartisan Campaign Reform Act.

درجهاتی دیگر صرف نماید. پیش بینی ممنوعیت استفاده نامزد از وجوه انتخاباتی برای سایر مصارف، موجب جلوگیری از خیانت در امانت نامزدها می‌شود (احمدوند و ماهانی، ۱۳۹۴: ۱۳). این قانون نیز در سال ۲۰۰۳ به ادعای مخالفان آن، مغایر قانون اساسی بود اما دیوان عالی فدرال با رد ادعاهای مخالفان، در رأی «مک کانل» علیه «اف.ای.سی»^۱ بخش اعظم قانون را تأیید کرد.

۲-۳. برگزاری انتخابات

به استناد قانون انتخابات افغانستان، یکصد و هشتاد روز قبل از برگزاری انتخابات ولسی جرگه، محدوده‌ی حوزه‌های انتخابات توسط اداره ارگان‌های محلی با همکاری اداره‌ی مرکزی احصائی و سایر ادارات ذیربط در تفاهم با کمیسیون تعیین می‌گردد (ماده ۳۶ قانون انتخابات). با پایان مبارزات انتخاباتی و قرار گرفتن در آستانه ایام سکوت (دوره‌ی ممنوعیت تبلیغات)، اعضای ولسی جرگه بر مبنای میزان جمعیت توسط اهالی هر ولایت (استان) از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم برای مدت پنج سال برگزیده می‌شوند (ماده ۸۳ قانون اساسی). ولسی جرگه به صورت کلی دارای ۲۵۰ کرسی است که ۲۳۹ آن برحسب نفوس به ولایات (استان‌ها) ده کرسی به کوچی‌ها (عشایر) و یک کرسی برای اهل هنود و سک‌های ساکن در افغانستان به عنوان اقلیت مذهبی در نظر گرفته شده است و از هر ولایت به طور میانگین، دست کم باید دو نماینده زن که بیشترین آرای قانونی را کسب کرده باشد، کرسی‌های مجلس را احراز کنند (ماده ۵۰ قانون انتخابات).

چنانچه ملاحظه می‌شود در تخصیص کرسی‌ها دست کم توازن حق انتخاب شدن و نیز حقوق مساوی در مشارکت توسط شهروندان، اعم از اقلیت‌های مذهبی، قومی و زنان در اداره‌ی عمومی کشور رعایت گردیده است. اختصاص کرسی‌های ولسی جرگه به ولایات (استان‌ها) به ترتیبی است که هر کاندیدایی که در ولایت خویش، بیشترین آراء قانونی را کسب کند می‌تواند کرسی تخصیص یافته مجلس را احراز کند؛ اما چنانچه آرای میان دو کاندیدا به صورت مساوی باشد، برای احراز کرسی، شخصی معرفی می‌گردد که عالی‌ترین معیارهای قانونی را به این شرح دارای

^۱ . McConnell v. Federal Election Commission, 540 U.S. 93, 2003.

باشد: دارای تحصیلات و سابقه‌ی کاری در ادارات دولتی و غیردولتی باشد. باید اضافه کرد که اگر عضو منتخب مجلس به دلایلی همچون: فوت، استعفاء، عزل، شاغل بودن در ادارات و... نتواند کرسی مجلس را احراز کند؛ در چنین حالتی، کاندیدای دیگر که بیشترین آرای را بعد از آن کسب کرده و نتوانسته به مجلس راه پیدا کند کرسی را احراز خواهد کرد (ماده ۵۲، قانون انتخابات). در خصوص تخصیص کرسی‌ها برای کوچی‌ها و اهل هنود همین وضعیت نیز صادق است. از میان ده کرسی کوچی مجلس سه تا از کرسی‌ها، متعلق به زنانی است که بیشترین آرای قانونی را کسب کرده باشند (ماده ۵۳، قانون انتخابات).

با توجه به مطالب ذکر شده در بالا، می‌توان گفت انتخابات ولسی جرگه از نظام اکثریت ساده یک مرحله‌ای تبعیت می‌نماید؛ یعنی کمیسیون مستقل انتخابات پس از اعلام نهایی اسامی کاندیداهای واجد شرایط، فهرستی از کلیه داوطلبان ولسی جرگه را ترتیب و در مراکز رأی‌دهی در اختیار رأی‌دهندگان قرار می‌دهد و رأی‌دهندگان بدون دخل و تصرف در فهرست مذکور، فقط می‌توانند به یک داوطلب رأی دهند. کاندیدایی که بیشترین آراء را کسب نماید پیروز انتخابات محسوب می‌شود. اگر یکی از نامزدها از کاندیداتوری منصرف شود مکلف است موضوع را قبل از موعد معین، به صورت کتبی به اطلاع کمیسیون مستقل انتخابات برساند و هرگاه کاندیدا پس از مهلت تعیین شده انصراف و یا فوت نماید اسم وی از سوی کمیسیون شکایات حذف می‌گردد و آراء آن در حین شمارش محاسبه نمی‌گردد (ماده ۷۵ قانون انتخابات). داوطلبان پیروز در انتخابات، به مدت ۵ سال به عضویت ولسی جرگه درمی‌آیند و تجدید دوره‌ی نمایندگی، بلامانع است، چرا که قانونگذار، اعم از اساسی و عادی، در این خصوص، محدودیتی را وضع ننموده است. در حالی که در چارچوب منظومه‌ی حقوقی ایالات متحده آمریکا، مجلس نمایندگان ۴۳۵ عضو دارد که از طریق انتخابات مستقیم در هریک از ایالات و بر اساس توزیع جمعیت در هر ایالت برگزیده می‌شوند؛ امروزه به ازای هر ۴۰۰ هزار تا ۶۰۰ هزار نفر جمعیت، یک نماینده انتخاب خواهد شد (داری‌شر، ۱۳۷۰: ۲۲۰). انتخابات این مجلس هر دو سال یک بار در نخستین روز سه‌شنبه پس از روز اول نوامبر در سال‌های زوج برگزار می‌شود. امکان برگزاری انتخابات میان دوره

در صورت مرگ یا استعفاء یک نماینده وجود دارد. ("Elections in U.S.A", 1993. (retrieved march 5.2018 from <http://www.usembassy.de/u.s.a>

بدین ترتیب پس از ثبت نام کاندیدای احزاب و تأیید صلاحیت از سوی فرماندار ایالت مربوطه، ایالات متحده آمریکا به چهارصد و سی پنج حوزه تقسیم می‌شود که تمامی مناطق از لحاظ جمعیتی تقریباً برابرند، همه این حوزه‌ها نیز تک نماینده‌ای هستند. رأی‌دهنده در هر حوزه‌ی انتخابیه تک نماینده‌ای، رأی خود را که یک برگ رأی ساده است و در آن، رأی‌دهنده کاندیدای مورد نظر خود را با علامت اکس مشخص می‌کند به صندوق رأی می‌اندازد، درحالی که فقط می‌تواند یک کاندیدا انتخاب کند. کاندیدایی که بیشترین سهم از آراء را به خود اختصاص داده است به مجلس راه پیدا می‌کند، و حزبی که اعضای آن بیشترین سهم آراء را از آن خود کنند، اکثریت مطلق کرسی‌ها را به دست می‌آورند (Norris, 1997:8). براین مبنا می‌توان گفت انتخابات مجلس نمایندگان آمریکا از نظام انتخاباتی اکثریتی تک نام یک مرحله‌ای تبعیت می‌کند. در این مرحله به موجب بند «۱» بخش‌های ۴ و ۵ اصل اول قانون اساسی نیز بررسی اعتبار نامه‌ها و احراز شرایط از سوی خود مجلس نمایندگان فدرال صورت می‌گیرد و در صورت مردود شدن اعتبارنامه، داوطلب می‌تواند از طریق ایالت خویش به طرح دعوی در دیوان عالی ایالات متحده آمریکا پردازد، همچنین مجلس نمایندگان می‌تواند هر یک از اعضاء خود را مجازات کند و حتی او را از مجلس اخراج نماید. اخراج نماینده از مجلس نیازمند رأی حداقل دوسوم اعضا است (بوشهری، ۱۳۸۴: ۱۱۵-۱۱۴). دوره کار اعضای مجلس نمایندگان مطابق بند ۱ بخش ۲ اصل اول قانون اساسی مدت دو سال می‌باشد که با در نظر داشت سکوت قانونگذار اساسی در خصوص دوره نمایندگی، تجدید دوره نمایندگی بلامانع و بدون محدودیت می‌باشد. البته از آنجاکه نمایندگان تنها برای دو سال برگزیده می‌شوند، در صورتیکه تمایل به دوباره کاندیدا شدن داشته باشند و درصدد بازگشت به مجلس نمایندگان باشند باید نسبت به خواسته‌های موکلین خویش حساس بوده و سیاست‌های را مورد اتخاذ قرار دهند که برای شماری زیادی از رأی‌دهندگان مورد قبول واقع شوند.

بنابراین می‌توان استنتاج کرد که اعضای مجلس نمایندگان در عمل در ایالات متحده آمریکا بیشتر محکوم به تأمین منافع محلی و حوزه‌ی انتخابیه می‌باشد.

۳. مراجع ناظر و مجری انتخابات

با در نظر گرفتن قوانین و مقررات جاری، مراجع مجری و ناظر انتخابات ولسی جرگه و مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا را می‌توان به دو دسته نهادهای حکومتی و غیرحکومتی تقسیم کرد:

۳-۱. مراجع حکومتی

در خصوص امر اجرا و نظارت بر انتخابات ولسی جرگه و مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا مهمترین ارگان‌های صلاحیتدار در حوزه‌ی مدیریت انتخابات، نهادهای حکومتی قابل ذکرند. این نهادها از این قرارند:

الف) کمیسیون انتخابات؛ برحسب ماده ۱۵۶ قانون اساسی و ماده ۱۱ قانون انتخابات افغانستان، کمیسیون مستقل انتخابات تنها نهاد رسمی مجری و ناظر بر شروع انتخابات و مراجعه به آراء عمومی می‌باشد. از این رو، تصمیم‌گیری در زمینه‌ی نحوه‌ی اجرا و نظارت و مدیریت انتخابات ولسی جرگه از جمله کلیه امور مربوط به تعیین حوزه‌های انتخاباتی، چاپ برگه رای، اعلام نتایج انتخابات، بررسی وثایق نامزدان پیروز درانتخابات، ثبت نام رای‌دهندگان، احراز شرایط رای‌دهندگان و کاندیدای انتخابات ولسی جرگه و همانند اینها از سوی کمیسیون مستقل انتخابات اتخاذ می‌گردد. اما کمیسیون انتخابات فدرال ایالات متحده آمریکا در چارچوب اصلاحات سال ۱۹۷۵ در قوانین انتخاباتی ایجاد شد. این مرجع در امر مدیریت، اداره و اجرای قانون مالیات کمپین‌ها دارای صلاحیت نخستین است. تحت نظر این کمیسیون، هیات‌های خاصی وجود دارد که وظیفه نظارت برانتخابات را برعهده دارند. این هیات‌ها تحت نظارت و هدایت کمیسیون انتخاباتی فدرال عمل می‌کنند. اعضای این هیات‌ها بطور عمده عنوان قاضی، وکیل، داور و نمایندگان احزاب را برعهده دارند که مهمترین وظیفه آنان بررسی و تأیید دارا بودن صلاحیت رای‌دهندگان برای رأی دادن

و حفاظت از آراء به منظور جلوگیری از دستبرد است. این داوران از هر گونه مشارکت سیاسی که به منزله ی تبلیغ به نفع یکی از کاندیداها باشد ممنوع شده‌اند چرا که نظارت آنان باید عاری از هر نوع جانبداری باشد (طاهری و آب سالان، ۱۳۹۳: ۱۷۹). بنابراین نهادهای مجری و ناظر بر انتخابات مجلس نمایندگان آمریکا خود مجلس نمایندگان و هیأت‌های ویژه تحت نظارت « کمیسیون انتخاباتی فدرال» قرار دارند و همه فعالیت‌های خود را در محدوده های قانونی معین شده انجام می‌دهند (جعفری ندوشن، ۱۳۸۵: ۱۳۵).

ب) مجلس نمایندگان و کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی؛ در ایالات متحده آمریکا مجلس نمایندگان نیز در کنار کمیسیون انتخابات فدرال از مهمترین مراجع در امر برگزاری انتخابات مجلس است. به نحوی که خود این مرجع، صلاحیت رسیدگی به صحت یا عدم صحت انتخابات نمایندگان و تعیین شرایط انتخاب شدن را دارد (عالیخانی، ۱۳۸۱: ۲۱۰). این موضوع به صراحت در ردیف یک از بخش پنجم اصل اول قانون اساسی آمده است. همچنین نهاد دیگر صلاحیت دار در حوزه ی نظام انتخاباتی افغانستان، کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی است که در دو سطح مرکزی و محلی در تمام ولایات افغانستان ایجاد می‌گردد و دارای صلاحیت رسیدگی به شکایات احزاب و کاندیداها، تخطی‌های انتخاباتی، ابطال آراء، حذف اسامی کاندیداها، شناسایی و معرفی مرتکبان جرایم انتخاباتی به نهادهای قضایی، رسیدگی به تخلفات انتخاباتی و مجازات انتخاباتی می‌باشد (ماده ۹۰ لغایت ماده ۹۶ قانون انتخابات). براساس بندهای ۱ و ۲ ماده ۹۱ همان قانون، در صورت حذف نام کاندیدا از لیست اولیه به دلیل واجد شرایط نبودن یا در صورت قانع نبودن به نتایج اعلامی و عدم رضایت از نتایج آراء، احزاب و کاندیدا می‌توانند در جریان دو روز کاری شکایات خویش را به صورت کتبی به کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی ارائه نمایند.

۲-۳. نهادها و ارگان‌های غیر حکومتی

در کنار کمیسیونهای صلاحیت دار دولتی و مجلس نمایندگان بالا، مراجع غیر حکومتی نیز قابل ذکر به نظر می‌رسند. نظارت نهادها و ارگانهای غیردولتی، البته به مثابه مکملی بر امر اجرا و

نظارت بر انتخابات ولسی جرگه بوده و نقش کلیدی در این خصوص ندارند با این حال نمی‌توان نقش این ارگانها را به خصوص در موارد اختلاف نظر میان گروه‌های سیاسی، انکار کرد. اما نقش احزاب سیاسی در امر نظارت و اجرا بر انتخابات مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا کلیدی و اساسی می‌باشد. مهمترین نهادهای ناظر غیردولتی از این قرار است:

۳-۲-۱. بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان «فیفا»^۱:

این نهاد مستقل و بی‌طرف در سال ۲۰۰۴ میلادی توسط تعدادی از نهادهای جامعه‌ی مدنی ایجاد گردید. بر اساس اهداف فیفا، این نهاد تلاش دارد تا همه شهروندان واجد شرایط رای‌دادن در انتخابات کشور، در این پروسه سهیم و از فرصت‌های یکسان در روند انتخابات برخوردار باشند تا انتخابات افغانستان به شکل دموکراتیک، آزاد و شفاف آن برگزار گردد. فیفا به عنوان یک نهاد ملی، مستقل و بی‌طرف، تلاش دارد تا مطمئن سازد که تمام پروسه‌های ملی و دموکراتیک در کشور از طریق شبکه‌سازی، اشتراک فعال شهروندان و حکومت‌داری خوب به صورت شفاف انجام داده می‌شود (Free And Fair Election Forum of) Afghanistan, 2004. Retrieved may 3. 2018 from [http:// www.fefa.org.af](http://www.fefa.org.af)

۳-۲-۲. بنیاد انتخابات شفاف افغانستان «تیفا»^۲

این نهاد یکی از مراجع نظارتی مستقل در کشور افغانستان است که برای تقویت و تضمین شفافیت و عدالت در فرایندهای سیاسی و اجتماعی به ویژه انتخابات و گسترش روابط متقابل میان مردم و دولت براساس ارزش‌های دموکراتیک در سال ۲۰۰۹ میلادی ایجاد گردیده است) Transparent Election Foundation of Afghanistan, 2009. Retrieved may 2. (2018 from [http:// www.tefa.org.af](http://www.tefa.org.af)).

۱. فیفا طبق قانون مؤسسات غیر دولتی افغانستان در وزارت اقتصاد کشور افغانستان در سال ۲۰۰۴ ثبت گردیده است.

۲. بنیاد انتخابات شفاف افغانستان در سال ۲۰۰۹ میلادی در وزارت اقتصاد افغانستان ثبت گردیده است.

۳-۲-۳. «مجتمع جامعه ی مدنی افغانستان» (مجما):

مجتمع مذکور، نهادی بین‌المللی است که برای حمایت از تقویت پروسه‌های انتخاباتی افغانستان فعالیت دارد. این مؤسسه محصول همکاری فعالان مجتمع جامعه ی مدنی افغانستان و بنیاد صلح سویس است که بنا بر تقاضای ۷۶ تن شرکت کننده (بنیانگذاران) کنفرانس جامعه ی مدنی افغانستان ایجاد شد. کنفرانس مذکور در شهر بدهونف در ۲ دسامبر ۲۰۰۱ در آلمان برگزار شده بود (ماده ۳ اساسنامه مؤسسه مجتمع جامعه ی مدنی افغانستان). این مجتمع یک نهاد غیر دولتی، غیرسیاسی و غیرانتفاعی بوده که طبق قانون مؤسسات غیردولتی و قانون اساسی افغانستان ایجاد گردیده است. مجتمع به شکل باز و به صورت غیرانتفاعی و مبتنی بر عضویت کار می‌کند و دفتر مرکزی آن در شهر کابل می‌باشد (ماده ۴ اساسنامه مجما).

۴. مهمترین آسیب‌های انتخابات ولسی جرگه :

رئوس آسیب‌ها از این قرار است:

۴-۱. نقش احزاب سیاسی در انتخابات :

این گزاره بدیهی است که «مدیریت انتخابات» و «ابتکار عمل انتخابات» در آمریکا پیوسته در اختیار احزاب سیاسی این کشور بوده است. علی‌رغم این که در قانون اساسی این کشور به نقش احزاب سیاسی در این خصوص تصریح نشده و ظاهراً پایه‌گذاران آمریکای نوین (به ویژه هامیلتون و مدیسون) به نقش احزاب خوشبین نبودند اما از همان ابتدا خود این افراد عملاً رهبری جریاناتی را بر عهده گرفتند که بعدها ساختار حزبی این کشور را تثبیت نمود بنحوی که مدیریت انتخابات امروزه تحت اداره ی دو حزب اصلی: جمهوری خواه و دموکرات قرار دارد. این در حالی است که در افغانستان به دلایل فلسفی، تاریخی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی اساساً تحزب با امتناع روبه رو بوده است. در نتیجه به جای احزاب، عملاً اداره ی انتخابات در ید انحصاری حکومت قرار داشته و امکانی برای نقش‌ورزی جامعه ی مدنی در منظومه ی انتخابات وجود نداشته است.

۴-۲. تجربه کم دموکراسی در افغانستان:

اگر گفته می‌شود: انتخابات در آمریکا، به صورت پایدار، تجربه‌ای بیش از دو سده دارد در مقابل در افغانستان، این تجربه نه تنها پایدار نبوده؛ بلکه ساختار فعلی نظام انتخاباتی این کشور، کمتر از دو دهه عمر دارد و در گذشته نیز تجربه‌ی درخوری در این خصوص وجود نداشته است. از این رو افغانستان فاقد سنت پایدار در امر انتخابات است. همین نبود چنین سنتی است که نقش گروه‌های بنیادگرا را در امر انتخابات پررنگ تر می‌سازد. برای نمونه، در چند روز اخیر، (آخر فروردین ۹۷) طالبان با حمله‌ی انتحاری با تجمع ثبت نام کنندگان انتخابات بیش از یکصد نفر را شهید یا مجروح ساخت. حدوث چنین اتفاقاتی، گویای عدم وجود سنت مردم‌سالاری در این کشور است.

۴-۳. فقدان قوانین شفافیت مالی:

اگر نتوان گفت که عملیات مالی نامزدان انتخابات، مهمترین مؤلفه در منظومه‌ی انتخاباتی است؛ اما می‌توان ادعا کرد که این موضوع «گلوگاه سامانه‌ی انتخاباتی» را تشکیل می‌دهد؛ چرا که بدون پول، مدیریت پیچیده‌ی انتخابات امکان پذیر نیست. آن‌چنان که در بالا دیده شد از سال ۱۹۷۱ در آمریکا پیوسته اسناد قانونی مترقی در خصوص شفافیت مالی داوطلبان در فرآیند انتخابات در اشکال: «درآمد و هزینه کرد» وجود داشته است به نحوی که امروزه امکان نظارت جامعه‌ی مدنی و حکومت بر اعمال مالی آنها و کنترل آنها وجود دارد. این در حالی است که در افغانستان اساساً قانونی در این خصوص وجود ندارد تا بتوان به استناد آن، عملیات مالی داوطلبان را در بازه‌ی زمانی انتخابات کنترل نمود.

۴-۴. نقصان قوانین و مقررات انتخاباتی:

در افغانستان برخلاف آمریکا، قوانین و مقررات جامع، به نحوی که همه گروه‌ها و احزاب را جذب منظومه‌ی انتخاباتی کند وجود ندارد در نتیجه در امر انتخابات گروه‌هایی مثل طالبان، از گردونه‌ی منظومه‌ی انتخاباتی خارج هستند که حاصل آن، حدوث خشونت‌هایی در اشکال مختلف است. در نتیجه می‌توان گفت که قوانین انتخاباتی افغانستان برای گذار به دموکراسی ناگزیرند

«معاندان» را به «مخالفان» تغییر دهند در غیر این صورت، صحنه‌های خشونت بار در انتخابات همچنان باقی خواهد ماند (مولائی، ۱۳۹۵: ۱۵-۱۳).

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالبی که بیان شد می‌توان گفت، انتخابات ولسی جرگه به عنوان یکی از شاخصه‌های مهم دموکراسی نیازمند پیش‌زمینه‌های عینی (احزاب سیاسی، اجتماعات مدنی، اصول سیاسی و...) و ذهنی (آمادگی مردم در پذیرش نسبی اصول، مشارکت مسالمت‌آمیز در فرایندهای سیاسی، فاصله گرفتن از خشونت و...) است. این مؤلفه‌ها در افغانستان، دست‌کم در لایه‌ی حقوقی، تا اندازه‌ای به وجود آمده، ولی به مرحله‌ی تثبیت، نهادینه‌شدن و تکامل نسبی نرسیده است. با بررسی که در خصوص مقایسه مکانیزم‌های انتخاباتی مجلس نمایندگان آمریکا و افغانستان انجام شد، باید اذعان نمود که نظام انتخاباتی مجلس نمایندگان آمریکا با بهره‌گیری از مؤلفه‌های عینی و ذهنی فوق‌توانسته مزیت‌ها و تمهیدات فراوان را برای مشارکت شهروندان خویش در تمام ایالت‌ها فراهم کند. در آمریکا نظام انتخابات مجلس نمایندگان بر محوریت احزاب استوار است؛ به نحوی که کلیه‌ی سازکارهای اجرایی، مدیریتی و نظارتی انتخابات و معرفی داوطلبان از سوی احزاب قانونی انجام می‌شود و قوانین در کنار عرف سیاسی، راهکارهای مناسب و معیارهای مطلوب را برای شفافیت انتخابات، مشارکت آزادانه‌ی شهروندان، سهولت در روند ثبت‌نام، انعطاف‌پذیری در شروط مترتب بر انتخاب‌کنندگان و... تعبیه نموده است. در صورتی که در جمهوری اسلامی افغانستان هرکسی تمایلی برای حضور در ولسی جرگه را داشته باشد می‌تواند به صورت مستقل و با داشتن شروط قانونی مقرر در بالا، داوطلب ولسی جرگه شود. چنین وضعیتی، گویای فقر نظام حزبی در افغانستان و بازی‌های حزبی در این کشور است. بنابراین با فراهم نمودن تمهیدات و تسهیلات لازم برای حضور و نقش احزاب در انتخابات ولسی جرگه نه تنها شاید بخش اعظم مربوط به فساد و غیرشفاف بودن نظام انتخاباتی برطرف خواهد شد؛ بلکه زمینه برای مشارکت کلیه اقشار و اقوام در چارچوب گرایش‌های حزبی در انتخابات ولسی جرگه مهیا خواهد گشت. همچنین دوره‌ی نمایندگی در مجلس نمایندگان مدت دو سال در نظر گرفته شده است که مناسب‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه نظام مبتنی بر ارزش‌های مردم‌سالاری می‌باشد؛ اما این مهم در ولسی جرگه، پنج سال پیش‌بینی شده است که این بازه‌ی زمانی عدد بالایی بوده و می‌تواند رابطه‌ی نماینده را با موکلان خود کم‌رنگ سازد

و به درازا کشیدن قدرت در ید نمایندگانِ کشوری که بر سنتِ اقتدارگرایی استوار است، می‌تواند شائبه‌ی فساد و استبداد را بر نهاد قانونگذار مستولی سازد. از این رو، با توجه به تجربه‌ی کم‌جمهوری اسلامی افغانستان در ارتباط با مردم‌سالاری، تجربه‌ی اندک در انتخابات نسبت به ایالات متحده آمریکا، فقدان قوانین مدون در خصوص تأمین شفافیت هزینه‌های تبلیغاتی انتخابات، خلاءها و نواقص موجود در قوانین در این حوزه و فقدان سنت پایدار مردم‌سالاری در این کشور، لاجرم یکی از راه‌های توسعه سیاسی و حقوقی از گذرگاه توسعه‌ی نظام انتخاباتی می‌گذرد و در این راه، شایسته است از تجربه‌ی نظام‌های انتخاباتی توسعه‌یافته به‌ویژه برای رفع کاستی‌های انتخاباتی ولسی جرگه استفاده بهینه شود.

فهرست منابع و مأخذ

فارسی

الف) کتاب

بارنت، اریک: مقدمه‌ای بر حقوق اساسی: ترجمه عباس کدخدایی، انتشارات میزان، تهران، (۱۳۸۲).

بوشهری، جعفر: حقوق اساسی تطبیقی، شرکت سهامی انتشار، تهران، (۱۳۸۴).

تنک، آندره: حقوق ایالات متحده آمریکا، ترجمه: سید حسین صفائی، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه تهران، (۱۳۷۴).

جعفری ندوشن، علی اکبر: بررسی تطبیقی کارویژه‌های شورای نگهبان، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، (۱۳۸۵).

خسروی، حسن: حقوق انتخابات دموکراتیک، نشر مجد، تهران، (۱۳۸۸).

داری شری، یان: تحولات سیاسی در آمریکا، ترجمه: رحیم قاسمیان، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، (۱۳۷۰).

زارعی، محمدحسین: مطالعه تطبیقی مجالس قانونگذاری، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، (۱۳۸۴).

عالیخانی، محمد: حقوق اساسی، انتشارات دستان، تهران، (۱۳۸۱).

قاضی، ابوالفضل: بایسته‌های حقوق اساسی، چاپ سی و ششم، انتشارات میزان، تهران، (۱۳۸۸).

محمدی، عبدالعلی: حقوق اساسی افغانستان، انتشارات دانشگاه خاتم النبیین (ص)، کابل، (۱۳۹۵).

نصیری، محمد: حقوق بین الملل خصوصی، جلد دوم، انتشارات آگاه، (۱۳۸۸).

ب) مقالات و غیره

۱. احمدوند، شجاع؛ صابرماهانی، فردوسی: «درآمدی مقایسه‌ای بر منابع مالی تبلیغات انتخاباتی (مطالعه نظام های انتخاباتی ایران، فرانسه، روسیه و آمریکا)»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هفدهم، شماره ۴۹، (۱۳۹۴).
۲. حبیب نژاد، سیداحمد: «شرایط انتخابات شندگان درانتخابات مجلس شورای اسلامی درنظام حقوقی اساسی ایران بانگاه تطبیقی»، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۵۵، (۱۳۹۰).
۳. زارعی، حسین: «بررسی تطبیقی نظارت برانتخابات مجلس شورای اسلامی با ۶ کشور) انگلستان، فرانسه، آلمان، آمریکا، آفریکاجنوبی و مصر)» تهران، نشر معاونت پژوهشی، (۱۳۹۰).
۴. طاهری، محسن؛ آب سالان، عباس: «بررسی تطبیقی تنوع عملکردکشورها درخصوص فرآیندنظارت برانتخابات ریاست جمهوری درایران وسایرکشورها» فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره هفتم، (۱۳۹۴).
۵. عنابی، علیرضا؛ خلیلی شجاعی، فریور: «محدودیت‌های انتخاباتی انتخاب کنندگان وانتخاب شوندگان» نشریه کانون وکلادادگستری، شماره ۲۱ و ۲۲، (۱۳۹۰).
۶. مولائی، آیت: جزوه نظام‌های انتخاباتی، کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه بوعلی سینا، (۱۳۹۵).

ج) قوانین

۱. قانون اساسی افغانستان مصوب ۱۳۸۲
۲. قانون اساسی آفریقایی جنوبی مصوب ۸ می ۱۹۹۶.
۳. قانون انتخابات افغانستان مصوب ۱۳۹۵.
۴. قانون انتخابات آلمان مصوب ۱۹۵۶ با اصلاحات سال های ۱۹۳۳ و ۱۹۹۶.
۵. آئین نامه اصول وظایف داخلی ولسی جرگه افغانستان مصوب ۱۳۹۵.
۶. اساسنامه مجتمع جامعه (مجما) افغانستان مصوب ۲۰۰۱

English

Books

:1. Norris, P. (1997) , Choosing Electoral Systems: Proportional, Majoritarian and Mixed Systems.For Contrasting Political Institutions special issue of the International Political Science Review Vol 18(3) July 1997: 297-312.Edited by : Jean Lap once and Bernard Saint-Jacques.

B.Web Sources

1. "Elections in U.S.A", 1993. retrieved march 5.2018 from <http://www.usembassy.de/u.s.a>.
2. Free And Fair Election Forum of Afghanistan, 2004. Retrieved may 3. 2018 from [http:// www.fefa.org.af](http://www.fefa.org.af)
3. Transparent Election Foundation of Afghanistan, 2009. Retrieved may 2. 2018 from [http:// www.tefa.org.af](http://www.tefa.org.af).

C. Acts

United States Constitution, 1787.

The Federal Election Campaign Act.

The Bipartisan Campaign Reform Act.

Beth, saturno,speaker of the House:Elections, 1913-2007.

Rules Of the House Of Representatives in the U.S.A.

D. Awards

Buckley V. Valeo, 424, U. S. 1, 1976. Supreme Court of the United States.

First National Bank of Boston v. Bellotti, 435, U.S. 765, 1978 and Citizens United v. Federal Election Commission, 558. U.S. 310, 2010, McCutcheon v. Federal Election Commission, 572, U.S. 2014.

McConnell v. Federal Election Commission, 540 U.S. 93, 2003.